

تبیین ولایت مطلقه فقیه به منظور گزینش سنجه رویکردی در نگره‌های ضرورت، مصلحت و استبداد

نویسنده: محمدشتا بدرا^۱

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۰۵

دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۲

چکیده

به نظر می‌رسد از بیشترین مناقشه‌ها در مدیریت اسلامی را در سطح کلان و در عصر غیبت، می‌توان در نوع نگاه به موضوع ولایت فقیه دانست؛ البته در مسئله پذیرش یا عدم پذیرش مطلقه بودن آن - چه این که اعتقاد به این اصل مترقی به عنوان سازوکار حکومت در عصر غیبت - در چارچوب اعتقادی اسلامی ایرانی - ضرورت محل بحث را تأمین می‌نماید؛ لذا جدالی در انکار نیست، و آنچه وجود دارد، اشکال شکلی و سازوکاری است.

به همین قرائن - در این تکنگاری - ابتدا به اثبات عقلانی موضوع ولایت مطلقه فقیه با نگرش فلسفه عرفانی پرداخته شد؛ سپس بررسی پیامدها، شبهات و کارکردهای آن به صورت اجمالی پردازش شد تا در نهایت به پاسخی برای پرسش اصلی پژوهش برسد، که:

- ولایت فقیه با قید اطلاق، ضرورتی در عصر غیبت است؛ یا مصلحتی برای جامعه اسلامی است؛ و یا حربه‌ای پنهان برای استبداد است؟

واژگان کلیدی: ولایت فقیه، ولایت مطلقه فقیه، ضرورت، مصلحت، استبداد

۱- پژوهشگر جامعه المصطفیٰ ﷺ العالمیه، shetabdra14@gmail.com

مقدمه

در ابتدای مقاله تبیین مقدماتی مفهومی لازم است، سپس به بررسی دو شبهه مطروحه پرداخته خواهد شد:

گفته می شود: ولایت فقیه^۱ بحثی کلامی است؛ که با نیل به این که در زمره فروع دین و در امتداد دو اصل ثابت: نبوت و امامت بیان می شود، جایگاهی رفیع در حکمت الهی دارد، و نه این که صرفاً بحثی فقهی - حقوقی باشد. مسئله ای که موضوع آن فعل خداست، در فن فقه و حقوق و اخلاق نمی گنجد، و جایگاه رفیعش در علم حکمت و کلام است.^۲

این مطلب، در ادامه با توجه به اصل تشکیک، اثبات خواهد شد؛ لذا با نیل به فرعیت بحث، تقلیدی بودن آن به معنای مراجعه غیر متخصص به متخصص - در مقام شکل گیری وحدت اسلامی - منحصر به فرد می نماید. شایان توجه است، که اگر ولایت فقیه را در تعریف درست آن، مستقل از شخص محوری و با نگاهی ماهوی و از منشأ بیابیم، به معنای اراده الهی است، که در قالب جریان تشکیک، تحت حاکمیت مطلق الهی معنا می شود: خلافت از رسول همانند خلافت از خدا، حقیقتی است تشکیکی و طولی، که در رتبه نخست، از آن انسان کامل معصوم است؛ و در رتبه دوم از آن، انسان متکامل غیر معصوم است.^۳

1. Wilayat al Absolute Faqih

۲- جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص. ۵۵.

۳- همان، ۱۳۸۸، ص. ۱۹۶.

تبیین ولایت مطلقه فقیه به منظور گزینش سنجه رویکردی در نگرهای ضرورت، مصلحت و استبداد/ ۱۵۵
لذا ملازمه میان پذیرش رسالت پیامبر اکرم ﷺ و امامت امام معصوم، و
ولایت فقیه وجود دارد:
ولایتی که برای پیامبر ﷺ می‌باشد، برای فقیه هم ثابت است؛ و در این
مطلب، هیچ شکی نیست.^۱

این بیان، تأمل بیشتری نیازمند است؛ چرا که با توجه به همین
ملاحظات و درک مبانی و اصول مندمج در آن، می‌توان به درکی صحیح از
کارکرد ولایت مطلقه فقیه و نقش تعیین‌کنندگی آن از حیث ضروری
بودن، تابع مصالح و یا استبدادی بودن، دست یافت.

کیفیت ارتباط نامحدود و محدود؛ در تبیین ولایت افقه

ولی مطلق خدای نامحدود است، و در آن سو اشرف مخلوقات با نعمت
انحصاری تعقل - که محدود و محصور در بعد زمان و مکان است - می‌باشد.
در این رابطه، به طور اقتضایی و بنا به اصل سنخیت، واسطه‌ای در
قالب نمود وحی جهت برقراری ارتباط نامحدود با محدود، نیاز می‌شود،
که پس از تکامل نسبی استعدادها و آگاهی بشر در زمینه دیگر علل منجر
به ختم نبوت‌ها، عرصه جدیدی در ارتباط خالق و مخلوق معنا یافت.
این عرصه، مقام و معرفت به لزوم امام، با تمام کارکردهای نبی - به
استثنای وحی - و به صورت مصون از هر نقص و لغزشی، است، که برای
این مرحله، ایجابی شده است.

امام در غیر تفکر شیعی، انسان کامل یا اهل مُحدَث تعبیر می‌شود، که با توجه به حدیث قدسی لوح و قلم^۱ - در ترسیم ازل و ابد عالم - پس از ضرورت عصر غیبت، این رابطه توسط ولی‌الله الاعظم علیه السلام تداوم یافت.

این تداوم بسان خورشید پشت ابر یا رکن واحد استواری عالم تعبیر می‌شود؛ لیکن با نیل به نوع حضور امام غایب، و پایان یافتن حضور نواب خاص^۲ - تا هنگامه حضور مصلح کل - نواب عام، جانشینان ایشان می‌باشند.

از طرف دیگر، از نواب عام - به تعبیر مختلف و به صورت آشکار یا غیر مستقیم - در روایات نام برده شده است،^۳ که با بررسی آن تواصیف، به فقیه در معنای حافظ دین و مدیر اسلامی به واسطه موجه‌ترین افراد در شناخت و استنباط احکام علمی و عملی و سیاسی اسلام می‌رسیم، که چنین سازوکاری، ولایت افقه نامیده می‌شود.

از آنجایی که همه شرایط محیطی در عصر غیبت - بسان اوان ظهور - در ولی فقیه صدق می‌کند؛ لذا جانشین ولی خدا از جنبه مشروعیت نیز - به عنوان ولی فقیه - از مقام ولایت تشریعی در مقام قانونی و اجرایی برخوردار می‌شود.

بیان این مطلب نیز لازم است، که این مطلب غیر از ولایت تکوینی است، که مختص به ذات اقدس اله است.

۱- ر.ک: طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص. ۶۷.

۲- نواب اربعه به ترتیب تقدم و تأخر عبارتند از: ابو عمرو عثمان بن سعید عمروی، ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی، ابوالحسن علی بن محمد سمري. (ر.ک: صدر، ۱۴۱۲، ج ۱، ص. ۶۱۲؛ جباری، ۱۳۸۲، ج ۱، ص. ۶۶)

۳- ر.ک: کلینی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص. ۶۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص. ۹۹، باب ۱۱.

تیین ولایت مطلقه فقیه به منظور گزینش سنجه رویکردی در نگرهای ضرورت، مصلحت و استبداد/ ۱۵۷

انتخاب یا کشف ولی فقیه

کشف- نه انتخاب- اساساً امری با مشروعیت الهی است، که با انتخاب مستقیم مردم، حاصل نمی‌شود؛ در عین حال، کشف چنین شخصی مطابق با مبانی نظری قانون اساسی، در اختیار مجلس تخصصی خبرگان قرار گرفته است.^۱

قضیه ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد؛ ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است؛ همان ولایت رسول الله ﷺ است.^۲

فلسفه این کشف نیز با لحاظ رویکردهای تخصصی آن است؛ همان‌گونه که به عنوان مثال ریاست سازمان تخصصی نظام مهندسی را باید صنف تخصصی مهندسان انجام دهند؛ کشف ولی فقیه نیز به لحاظ تشخیص فقاقت و عدالت و سایر شرایط منطوی در فقیه، در مجلس تخصصی خبرگان انجام می‌شود.

سایر ادله

دیگر دلایل عقلی و نقلی در این ارتباط محدود به وجود حکومت ایده‌آل در عصر غیبت، لزوم سنخیت بین نوع حاکمیت و نوع حکومت،

۱- ر. ک: فصل هشتم قانون اساسی، اصول ۱۰۸ و ۱۰۷.

۲- امام خمینی، ۱۳۷۳، ج ۱۰، ص. ۳۰۸.

اصل تنزل تدریجی^۱، یا صرف اشارات غیر مستقیم سوره‌های نساء و مائده^۲، و یا حدیث توقیع شریف^۳ و... محصور نمی‌باشد. قرینه مطلب این‌که- تاکنون- نظریه‌ها و قواعد لطف^۴، کشف و نصب^۵، پرورش^۱ و... نیز مطرح شده است.

۱- انسان همواره می‌کوشد تا در اعمالش شرایط مطلوب را فراهم آورد... در مورد زعامت سیاسی و رهبری نیز که از مهم‌ترین مسائل زندگی انسان است، وقتی همه شرایط مطلوب به دلایلی فراهم نبود، به یک مرحله نازل‌تر مراجعه می‌کند. حکومت ایده‌آل و مطلوب در اسلام حکومتی است، که امامان معصوم علیهم‌السلام مجری آن باشند. در عصر غیبت که به امام معصوم دسترسی نیست، امر حکومت بر عهده فقیه عادل است؛ چرا که نزدیک‌ترین و شبیه‌ترین فرد به امام معصوم است؛ هر چند فاصله میان آن‌ها بسیار زیاد است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص. ۱۰)

۲- ر. ک: نساء، ۵۹-۵۸؛ مائده، ۴۵، ۴۷، ۵۰-۴۴.

۳- «وَأَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدِيثَنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ»؛ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص. ۱۰۱) در مسائل مستحدثه به روایان حدیث ما مراجعه کنید، که آن‌ها حجت من بر شما هستند، و من حجت خدا بر آن‌ها هستم.

۴- قاعده لطف، قاعده‌ای کلامی است؛ به این معنی که لطف الهی بر این تعلق دارد، که راه هدایت بسته نباشد؛ زیرا دین مجموعه و دستگاه فنی و به هم پیوسته‌ای است، که برای فهم و درک و عمل به دستورات آن، کارشناس آن نیز همراه آن باید باشد؛ پس لطف الهی ایجاب می‌کند که عنایت او همواره برای هدایت بشر، ساری و جاری باشد. (مطهری، ۱۳۷۴، صص. ۹۵-۹۲)

البته [لطف] به حدی نمی‌رسد، که از انسان سلب اختیار شود، و اصل قدرت و توانایی نیز وابسته به آن نیست. (آل کاشف الغطاء، ۱۳۸۸، صص. ۱۶۷-۱۶۶)

۵- در مبنای نصب الهی و نظریه کشف گفته می‌شود: اگر مشروعیت را به معنای شریعت بگیریم، مشروعیت رهبری، به رأی خبرگان وابسته نیست؛ بلکه به نصب الهی است، و رأی خبرگان، مشروعیتی به وی اعطا نمی‌کند؛ بلکه جنبه کاشفیت از این نصب دارد، و به اصطلاح، تعیین مصداق می‌کند. با این توصیف، حلقه دور می‌شکند؛ زیرا در شبهه دور،

تیین ولایت مطلقه فقیه به منظور گزینش سنجه رویکردی در نگرهای ضرورت، مصلحت و استبداد/ ۱۵۹
به طور کلی، فضای تبیین ابعاد و ابعاض این بحث در فلسفه عرفانی^۲،
همواره مفتوح است.

مشروعیت و مقبولیت

مشروعیت^۳ ولایت از آن خدا، و مقبولیت^۴ توسط مردم حاصل می‌آید، و
این نقطه مقابل نگاه دموکراسی محور^۵ است، که منجر به حکومت مردم بر
مردم از قبیل حاکمیت مطلق اومانیسم^۶ می‌شود؛ حال آن‌که مشروعیت
صرفاً در ارتباط با حاکمیت مطلق شارع مقدس می‌باشد، که به اذن او
ولایت- تشریحی- معنا می‌یابد.

بیان این نکته نیز لازم است، که مقبولیت به مثابه رأی مردم- در بیعت
با ولی- شرط لازم است؛ اما شرط کافی نیست؛ لذا بنیان قائم به رأی
اکثریت- که جلّ ماهوی دموکراسی را شکل می‌دهد- مقبولیت مردمی را
به واسطه امکان خطایابی، به امری نسبی تبدیل می‌کند.

چنین فرض شده بود، که خبرگان به رهبری مشروعیت می‌دهند. بنابراین، نه تنها رهبری
مشروعیت خویش را از مجلس خبرگان نمی‌گیرد؛ بلکه خود، مشروعیت‌دهنده به همه
اجزای نظام است. (مجله معارف، ۱۳۸۵، ص. ۱۸)

۱- از جدیدترین نظریه‌ها در موضوع شیوه شناسایی و سیر تطورات شخصیتی مصادیق
ولایت فقیه است، که هنوز ابعاد آن، تبیین نشده است.

2. Mystical Philosophy

3. Legitimation

4. Acceptability

5. Humanism

6. Democracy

مطلب دیگر این‌که، خودمتناقض^۱ است؛ چون ضمانت اجرای الهی ندارد، و مخالف نصّ صریح قرآن کریم است، که می‌فرماید:

«وَإِنْ تُطِيعُوا أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ»^۲؛ اگر از بیشتر کسانی که در روی زمین هستند، اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه می‌کنند؛ آن‌ها تنها از گمان پیروی می‌نمایند، و تخمین و حدس می‌زنند.

بنابراین، رأی - صرفاً - با حقیقت است؛ چرا که اگر اکثریت مردم اتفاق نظر در موضوعی نداشته باشند، پذیرش آن لازم است؛ اما این به معنای حقیقت داشتن آن نیست، که می‌توان به مثال رایج در غرب امروز - همجنس‌بازی - اشاره کرد؛ هم‌چنین برای تقریب بهتر مسئله، می‌توان به تاریخ تحلیلی صدر اسلام مراجعه کرد.

تبیین این دیدگاه در نگرش مردم‌سالاری دینی^۳ راهگشاست.

طرح دو پرسش با پاسخی در متن استدلال

- آیا پیش از پذیرش ولایت فقیه، می‌توان به سازوکاری دینی جهت برقراری حکومت معتقد نبود؟
- آیا با فرض پذیرش ولایت فقیه، با مقایسه نظامات حاکم بر جهان، می‌توان به نگاهی الهی‌تر از این رویکرد، به سیاست و حکومتداری رسید؟

1. Self-Contradictory

۲- انعام، ۱۱۶.

3. Religious Democracy

تیین ولایت مطلقه فقیه به منظور گزینش سنجه رویکردی در نگرهای ضرورت، مصلحت و استبداد/ ۱۶۱

- بررسی دو شبهه

۱- ولایت فقیه را در صورت پذیرش، صرفاً در امور حسبیه می‌پذیریم، و با قید اطلاق نمی‌پذیریم.

به نظر می‌رسد پذیرش حسبی ولایت فقیه، مانع تحقق وحدت کلمه، و آرامش روانی فردی- جمعی خواهد بود؛ مضافاً این‌که موجب تضعیف اصل فصل‌الخطاب، و مدیریت واحد خواهد شد.

هم‌چنین تلقی حسبیه داشتن، در مقوله امنیت ملی^۱ در عصر انقلاب‌های نرم^۲- در جهان معاصر- و نیز اراده تبلیغی مبنی بر تکثر پلورالیسم^۳ حاکمیتی، که در سایه مشروعیت‌بخشی به اومانیسم انجام می‌پذیرد، زمینه‌های پیدایی ترمیدور^۴ در حاکمیت تفکر سکولار^۵ را نشانه می‌رود. مسئله شورایی کردن رهبری نیز بر همین اساس، ضعف مبنایی و تئوریکی در عمل می‌یابد؛ چرا که مطابق با مبنای قرآن کریم، گریزی از اجرای اصل فصل‌الخطاب نیست؛ هر چند این اصل، منافاتی با مشورت و استفاده از شوراهای تخصصی و عمومی ندارد:

-
1. National Security
 2. Revolutions Software
 3. Pluralism
 4. Thermidor

نکته: اصطلاحی در جامعه‌شناسی؛ به معنای بازگشت به سنن قبل از انقلاب یا حرکت دوری انقلاب‌ها است، که نخستین مرتبه توسط کرین بریتون (Crane Brinton) در کتاب «کالبدشکافی چهار انقلاب» به کار برده شد. این مقطع در فرانسه، دوره استقرار دیکتاتور پس از انقلاب است. (ر.ک: «فرهنگ علوم سیاسی»، علی آقابخشی و مینو افشاری‌راد، ۱۳۷۹)

5. Secular Thinking

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»؛^۱ پس به [برکت]

رحمت الهی با آنان نرمخو شدی؛ و اگر تندخو و سختدل بودی، از پیرامون تو پراکنده می‌شدند؛ پس از آنان درگذر، و برایشان آموزش بخواه، و در کار[ها] با آنان [مردم] مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد.

بنابراین، رهبر جامعه پس از مشورت و بهره‌مندی از آرای دلسوزانه فردی و شورایی- شوراهای عمومی و تخصصی- لازم است با تمسک به حبل الله المتین، و با توکل و استعانت از خدای متعال- قاطعانه- تصمیم گرفته، و در مسیر هدایت جامعه، حرکت کند.

از طرف دیگر، پذیرش ولایت مقید، ضمن غیر موجه کردن کارکردهای ولایت، مشروعیت محل بحث را نیز خدشه‌دار می‌کند؛ حال آن‌که راهبرد امام خمینی کبیر در مساوی قراردادن اختیارات ولی فقیه با اختیارات نبی مکرم اسلام ﷺ با تمام شئون آن- با نیل به اختیارات نیابت‌بردار آن- منجر به مقبولیت مردمی نیز شد:

وقتی می‌گوییم ولایتی را که رسول اکرم ﷺ و ائمه^ع داشتند؛ بعد از غیبت، فقیه عادل دارد، برای هیچ‌کس این توهم نباید پیدا شود، که مقام فقها همان مقام ائمه^ع و پیامبر اکرم ﷺ است؛ زیرا این‌جا صحبت از مقام نیست؛ بلکه صحبت از ولایت- یعنی حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع مقدس- می‌باشد، نه شأن و مقام برتر و غیر عادی.

تبیین ولایت مطلقه فقیه به منظور گزینش سنجه رویکردی در نگرهای ضرورت، مصلحت و استبداد/ ۱۶۳

به عبارت دیگر ولایت مورد بحث یعنی حکومت و اجرای قوانین الهی و اداره جامعه اسلامی.

ولایت فقیه از امور قراردادی و اعتباری عقلایی است، و واقعیتی جز جعل قانونی ندارد؛ وقتی کسی به عنوان ولی در موردی نصب می‌شود- مثلاً برای حضانت و سرپرستی کسی یا حکومت- دیگر معقول نیست در اعمال این ولایت، فرقی بین رسول اکرم ﷺ و امام یا فقیه وجود داشته باشد.^۱

هر چند در میان علمای شیعی نیز نگرش آیت‌الله بروجردی از طرفی، و آیت‌الله خویی^۲ و بعضی از علمای حاضر به صورتی دیگر، و متفاوت با نگاه موجود می‌باشد؛ اما هر کدام تشکیک در اطلاق یا حسبی بودن مبنای نظریه می‌کنند؛ چرا که از پس از غیبت کبری تا امروز، حوزه اجماعی فقاهت شیعه نسبت به مقوله ولایت، رویکرد استنکاری نداشته است.

به عنوان نمونه به جمله مشهور مرحوم صاحب «جواهر» اشاره می‌شود:

«من انکر ولایة الفقیه ما ذاق من طعم الفقه شیئا»^۲؛ اگر کسی منکر ولایت فقیه باشد، گویا طعم فقه را نچشیده است.

نظریه‌ای که از عهد دور و بیش از هزار سال پیش، توسط ثقة الإسلام کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و بعد شیخ انصاری و... مطرح شده بود، و نخستین بار توسط امام راحل، ابتدا ظرفیت پذیرش آن ایجاد؛ و آن‌گاه خواست مبنی بر اجرای آن، محقق شد.

۱- امام خمینی، ۱۳۹۴، ص. ۵۶.

۲- نجفی، ۱۳۶۲، ج ۱۲، ص. ۳۹۷.

بنا به تحلیلی پیچیده‌تر نیز می‌توان پیشینه و قدمت این نوع ولایت را حتی به ماقبل اسلام و زمان انبیای الهی علیهم‌السلام نیز تأویل برد؛ آن‌جا که قرآن کریم می‌فرماید:

«إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْا اللَّهَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ»^۱

ما تورات را که در آن هدایت و روشنایی است، نازل کردیم؛ پیامبرانی که تسلیم فرمان بودند، بنا بر آن برای یهود حکم کردند؛ و نیز خداشناسان و دانشمندان که به حفظ کتاب خدا مأمور بودند، و بر آن گواهی دادند؛ پس از مردم نترسید، از من بترسید؛ و آیات مرا به بهای اندک مفروشید؛ و هر که بر وفق آیاتی که خدا نازل کرده است حکم نکند، کافر است.

۲- ولایت فقیه با سازوکار اطلاق، ضمن ترمذ از قانون، منجر به انحصارگرایی^۲ و حکومت توتالیتر^۳ - تمامیت‌خواهی - می‌شود.

ولایت فقیه به استناد به استناد بند پنجم از اصل دوم^۴ و اصل پنجم قانون اساسی^۱، و اختیارات تعریف شده و مشخصی که به استناد اصل ۱۱۰

۱- مانده، ۴۴.

2. Exclusivist

3. Totalitarianism

۴- جمهوری اسلامی؛ نظامی است بر پایه ایمان به... امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی.

تبیین ولایت مطلقه فقیه به منظور گزینش سنجه رویکردی در نگره‌های ضرورت، مصلحت و استبداد/ ۱۶۵
قانون اساسی دارد،^۲ و نیز نظارت بر حسن انجام فعالیت‌های آن، ضمن
متوجه کردن مجلس خبرگان، اصول ۱۰۷ و ۱۱۱ قانون اساسی را به خود
اختصاص می‌دهد.

البته این محدودیت در موضوعیت با قید اطلاق در ولایت نیست، که
اولی مربوط به شخصیت رهبری و در ارتباط با مزاج بشری و ممکن‌الخطا
بودن او می‌باشد؛ و دومی در ارتباط با مقام جانشینی ایشان، مستقل از
شخصیت حقیقی‌اش مطرح می‌شود.

شخص غیر از مقام (ولایت) است؛ این مقام از راه پایه‌گذاری فطرت
اسلامی به ثبوت رسیده، و الغای آن الغای فطرت است؛ و الغای
فطرت، الغای اصل اسلام است.^۳

بنابراین:

ولایت فقیه می‌خواهد جلوی دیکتاتوری را بگیرد؛ نه این‌که می‌خواهد
دیکتاتوری بکند.^۴

۱- در زمان غیب حضرت ولی عصر علیه السلام در جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر و امامت
امت بر عهده فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است، که طبق اصل
یکصد و هفتم، عهده‌دار آن می‌گردد.

۲- تذکر این مطلب لازم است، که استناد به قانون اساسی به معنای حد نهایی پذیرش
ولایت فقیه نیست: این‌که در قانون اساسی هست، این بعضی شئون ولایت فقیه هست نه همه
شئون ولایت فقیه. (امام خمینی، ۱۳۷۳، ج ۱۱، ص. ۴۶۴)

۳- طباطبایی، ۱۳۸۷، ص. ۸۶

۴- امام خمینی، ۱۳۹۴، ج ۱۰، ص. ۵۴.

نتیجه گیری

در ارتباط با پذیرش نگاه مطلقه بودن^۱ امر ولایت فقیه- در امور نیابت بردار- به پیدایش قسمتی از لایه‌های ارتباط با جهان بینی اسلامی در تلقی و نحوه نگرش جهت‌دهی می‌شود؛ لذا:

اعتقاد به ولایت فقیه یعنی اعتقاد به یک برداشت، و استمدادطلبی از اسلام.^۲

بنابراین و مطابق با محتوای ارائه شده در این تک‌نگاشت، نکات زیر استنتاج می‌شود:

۱- ولایت فقیه مطلبی است، که همواره مدنظر فقهای امامیه بوده، و قدمتی طولانی- در عصر غیبت- دارد.

۲- علت عدم تأکید مصرح این مقوله- به دلیل موجه- وجود حکومت‌های طاغوتی در لایه‌های بالایی و پایینی جامعه بوده است، که امکان تحقق این مقوله را بعید- و بلکه ممتنع- می‌نموده است.

۳- ولایت فقیه با قید اطلاق به همان معنای مطلقه بودنی که فقط برای خدای تبارک و تعالی به کار برده می‌شود، نیست.

۴- ولایت فقیه با قید اطلاق، امور نیابت‌بردار از امام معصوم^{علیه السلام} را بر عهده دارد، و امور غیر از این، چنین نیست.^۳

1. Absolute

۲- ر.ک: امام خامنه‌ای، <http://www.ghadeer.org/Book/415/66222>

۳- «اتفق اصحابنا علی ان الفقیه العدل الإمامی الجامع الشرائط الفتوی المعبر عنه بالمجتهد فی الأحکام الشرعیة نائب عن قبل ائمة الهدی^{علیهم السلام} فی حال الغیبة فی جمیع ما للنیابة فیه مدخل» (محقق کرکی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص. ۱۴۲) فقهای شیعه اتفاق نظر دارند، که فقیه عادل

تبيين ولايت مطلقه فقيه به منظور گزينش سنجه رويكردي در نگره‌هاي ضرورت، مصلحت و استبداد/ ۱۶۷

به عنوان مثال، مقوله‌هايي از قبيل عصمت، ولايت تكويني و نيز پاره‌اي از اختيارات كه امام معصوم عليه السلام در حوزه مسائل خصوصي افراد داشته‌اند، از امور غير نيابت‌بردار براي ولي فقيه است.

يك نوع از امثله نيز به صورت اجماعي است؛ مثلاً مبحث جهاد ابتدائي، كه قاطبه فقهاي اماميه و جمهور، قائل به اختصاصي بودن آن براي امام معصوم عليه السلام هستند؛ هر چند در اين ميان، آيت‌الله خويي و امام خامنه‌اي نظر متفاوتي دارند.^۱

۵- ولايت مطلقه فقيه در عصر غيبت، ضرورتي حياتي است، كه با توجه به گستردگي امور فردي و اجتماعي و جهاني، و پيچيدگي عرصه‌هاي كلان‌مديريت اسلامي^۲، نمي‌تواند صرفاً رويكردي مصلحت‌گرايانه باشد

امامي مذهب، كه جامع شرايط فتوا است، و از او به مجتهد در احكام شرعيه تعبير مي‌شود، از جانب ائمه عليهم السلام - در زمان غيبت - در همه اموري كه نيابت‌بردار است، نايب مي‌باشد.

۱- «ومن طبيعي ان تخصيص هذا الحكم بزمان موقت وهو زمان الحضور لا ينسجم مع اهتمام القرآن وأمره من دون توقيت في ضمن نصوصه الكثيرة»؛ (خويي، ۱۴۱۰، صص. ۳۶۶-۳۶۳) و طبيعي است كه تخصيص اين حكم به زمان خاص، كه زمان حضور امام معصوم عليه السلام باشد - با اهتمام قرآن و امر آن به جهاد ابتدائي، بدون اختصاص دادن آن به وقت خاص - در ضمن جملات فراوان و صريح، همخواني و انسجام ندارد.

بعيد نيست كه حكم به جهاد ابتدائي توسط فقيه جامع‌الشرائطي كه متصدي ولايت امر مسلمين است، در صورتي كه مصلحت آن را اقتضا كند، جازي باشد؛ بلكه اين نظر اقوي است. (امام خامنه‌اي، ۱۳۸۹، سؤال ۱۰۴۸)

2. Islamic Management

۶- در ادامه بند قبل، از منظر عقلی و نقلی و حتی در قواره عرفی نیز نمی‌توان شأنیته تقریبی یا تخریجی میان این شکل از ولایت با مقوله‌ای به نام استبداد، ره‌جویی کرد؛ چه این‌که تضادی لاینحل میان این دو- به صورت همیشگی - حاکم است.

از طرف دیگر و مبتنی بر برهان خلف^۱، شرط ابقای ولایت تنها تا زمانی است، که فقیه در دایره تعیین شرایط منصوص، منطوی باشد، که در غیر این صورت خود به خود، عزل خواهد شد؛ و این غیر از مفاهیم مندمج در استبداد است:

همان‌طور که ولایت مشروط به وجود تمام شرایط بود تا نزدیک‌ترین و شبیه‌ترین شخص به معصوم انتخاب شود، اگر یکی از شرایط هم مفقود شود، ولی فقیه خود به خود منعزل می‌شود؛ و وظیفه خبرگان فقط این است، که مطلب را به مردم اعلام کند.^۲

در پایان، با توجه به گستردگی و افق عمیق این مقوله و ارائه پاسخی اجمالی به پرسش اصلی تک‌نگاشت- که در متن چنین تلاشی شد- حسن ختام چنین بیان می‌شود:

گر بحر را بریزی در کوزه‌ای چند کنجد قسمت یک روزه‌ای^۳

1. Proof by Contradiction

۲- مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص. ۱۳۶.

۳- مولوی، مثنوی معنوی، دفتر اول، بخش ۱.

تبیین ولایت مطلقه فقیه به منظور گزینش سنجه رویکردی در نگرهای ضرورت، مصلحت و استبداد/ ۱۶۹

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آقابخشی، علی، افشاری‌راد، مینو، (۱۳۷۹)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: انتشارات چاپار.
- ۳- آل کاشف الغطاء، محمد حسین، (۱۳۸۸)، آئین ما (ترجمه أصل الشیعة وأصولها)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- ۴- امام خمینی، سید روح الله، (۱۳۷۳)، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۵- همان، (۱۳۹۴)، ولایت فقیه: حکومت اسلامی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۶- امام خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۸۹)، رساله اجوبه الإستفتائات، تهران: انتشارات بین‌المللی هدی.
- ۷- جباری، محمد رضا، (۱۳۸۲)، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ۸- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۲)، کوثر کربلا، قم: مرکز نشر اسراء.
- ۹- همان، (۱۳۸۸)، ولایت فقیه؛ ولایت فقاها و عدالت، قم: مرکز نشر اسراء.
- ۱۰- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة فی تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- ۱۱- خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰)، منهاج الصالحین، قم: انتشارات مدینه العلم.
- ۱۲- دانشگاه و دانشجو در بیانات مقام معظم رهبری، <http://www.ghadeer.org/Book/415/66222>
- ۱۳- شبهه دور، مجله معارف، ۴۰ (۱۳۸۵).
- ۱۴- صدر، سید محمد، (۱۴۱۲)، تاریخ الغیبة، بیروت: دار التعارف.

- ۱۵- طباطبایی سید محمدحسین، (۱۳۸۷)، معنویت تشیع، قم: انتشارات تشیع.
- ۱۶- طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی.
- ۱۷- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۸- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۱)، الکافی، تهران: مکتبه الصدوق.
- ۱۹- محقق کرکی، علی بن حسین، (۱۴۰۹)، رسائل المحقق کرکی؛ رسالة صلاة الجمعة، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ۲۰- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۷۷)، پرسش‌ها و پاسخ‌ها: ولایت فقیه و خبرگان، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ۲۱- همان، (۱۳۹۳)، چکیده‌ای از اندیشه‌های بنیادین اسلامی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ۲۲- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴)، امامت و رهبری، تهران: انتشارات صدرا.
- ۲۳- مولوی، جلال‌الدین محمد،، مثنوی معنوی، بی تا.
- ۲۴- نجفی، محمد حسین، (۱۳۶۲)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.